

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هجدهم، شماره چهارم، تیر ۱۳۹۷، ۱۳۷-۱۵۱

درآمدی انتقادی بر کتاب أسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي

موسی عربی*

چکیده

منتقدان رویکردهای سنتی بلاغت درخصوص سبک‌شناسی جدید تألیفات زیادی به‌رشته تحریر درآورده‌اند که در این مقال سعی بر آن است تا یکی از این آثار را، یعنی *أسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي* نقد و بررسی کنیم. این اثر با روش تحلیل محتوا مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که مهم‌ترین نتایج آن عبارت است از مرزبندی دقیق بین بیان عربی در بلاغت قدیم و جدید که نویسنده توانسته با بخشی کاربردی با عنوان «قراءة و نص» به توفیق خوبی دست یابد، تناسب عنوان با مطالب کتاب در تمامی فصول و دو کلیدواژه القواعد المعيارية و النص الإبداعي در تمامی فصول با شواهد و استنادات موردتحلیل قرار گرفته است، نگاهی تمدنی و پویا به زبان به‌مثابه یک پیکر زنده، ارائه تحلیل‌های جامع در پایان هر بخش که خواننده را به یک برداشت شفاف رهنمون می‌شود، و نظم و تسلسل منطقی مباحث ازجمله مهم‌ترین نقاط قوت اثر است. ازجمله کاستی‌های اثر می‌توان به برخی اشتباهات ویرایشی و نگارشی، که البته بسیار اندک است، فشرده‌بودن مباحث کتاب و نداشتن تمرین و آزمون، نداشتن فهرست اعلام، آیات و اشعار، و بررسی و نقدنکردن آرای صاحب‌نظران غربی اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: اسلوبیه، بیان، بلاغت جدید، بلاغت قدیم، غرکان.

* استادیار بخش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شیراز، moosaarabi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۱

۱. مقدمه

علم بلاغت هم‌چون دیگر علوم ادبی با گذشت زمان و ظهور جریان‌های ادبی جدید بر سر دوراهی سنت و مدرنیته قرار گرفت؛ عده‌ای بلاغت را با رویکردهای قدیمی به‌کناری نهادند و قائل به جای‌گزینی بلاغت مبتنی‌بر رویکردهای جدید شدند و عده‌ای دیگر بلاغت جدید را صرفاً همان بلاغت قدیم دانستند که در پوشش‌های به‌ظاهر جدید رخ نمایانده است و بن‌مایه همان است که بود. در این میان، گروهی دیگر با نگاهی میانه و قراردادن بلاغت قدیم به‌عنوان اساس بلاغت جدید به هر دو رویکرد توجه کردند که از جمله این گروه افرادی «چون شیخ امین خولی، احمد شایب، احمد حسن الزیات، و مصطفی صادق الرافعی بودند که تلاش‌های آغازین آنان شروعی بر ارتباط بین بلاغت قدیم و سبک‌شناسی جدید بود» (عبدالمطلب ۱۹۹۷: ۶).

هریک از رویکردهای حاضر می‌تواند به‌جای خود در بوتۀ نقد قرار گیرد که در این مجال نمی‌گنجد؛ اما آنچه مهم‌تر جلوه می‌کند آشنایی بیش‌تر دانشجویان و استادان با رویکردهای جدید در بلاغت و تغییر شیوۀ تدریس سنتی بلاغت در دانشگاه‌هاست که این مهم با معرفی، شناخت، و نقد منابع جدید در این حوزه امکان‌پذیر است.

کتاب *أسلوبیة البیان العربی من أفق القواعد المعیاریة إلی آفاق النص الإبداعی* اثر رحمان غرکان، استاد نقد و بلاغت دانشگاه قادیسیه عراق، یکی از آثار است که نقد و بررسی آن به‌منظور معرفی به جامعه دانشگاهی می‌تواند گامی مؤثر برای آشنایی بیش‌تر علاقه‌مندان با این حوزه باشد.

نویسنده این اثر کوشیده است علم بیان را از دو زاویۀ سنتی و نوین با روشی سبک‌شناسانه موردبررسی قرار دهد و با تحلیل نمونه‌هایی از شعر معاصر و هم‌چنین، آیات و روایات به‌صورت عملی آن‌چه را میان بلاغت قدیم و جدید تفاوت گذاشته به مخاطب عرضه دارد. نگارنده این مقاله تلاش کرده است تا در این جستار به بررسی شکلی و محتوایی این اثر بپردازد.

۲. روش و سؤالات پژوهش

باتوجه‌به این‌که پژوهش حاضر به درخواست شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی با هدف شناخت نکات مثبت و کاستی‌های کتاب‌های موجود در حوزه علوم انسانی به‌منظور بهبود کمی، کیفی، و ارزشی منابع درسی علوم انسانی صورت گرفته است، سعی شد در نقد

و بررسی کتاب از همان چهارچوب و روش درخواستی این شورا استفاده شود که شامل معرفی، توصیف و ارزیابی شکلی کتاب، و تحلیل محتوای اثر است. قسمت شکلی شامل مواردی چون مشخصات شناسنامه‌ای، معرفی و ارزیابی ساختار کتاب (بخش‌ها و فصل‌ها)، ویژگی‌های اثر، ویرایش ادبی، و رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی و کتاب‌نامه است. در بخش تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر مواردی چون بررسی ابعاد آموزشی اثر (جامعیت و تناسب محتوا با اهداف درسی و مطابقت با سرفصل دروس، استفاده از ابزارهای علمی)، و مسئله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی، ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب، میزان استحکام استدلال‌ها، نوآوری و خلاقیت اثر را شامل می‌شود.

پژوهش پیش‌رو در نظر دارد به این سؤالات پاسخ دهد: ۱. جامعیت صوری اثر چگونه است، ۲. روش‌شناسی اثر حاضر چگونه است، ۳. این اثر تا چه حد توانسته است نوآوری داشته باشد، ۴. ابعاد آموزشی اثر، نظر به سرفصل دروس مصوب وزارت علوم، چگونه است، و ۵. از نظر استفاده از ابزار آموزشی تا چه حد موفق عمل کرده است؟

۳. پیشینه پژوهش

درخصوص نقد آثاری که به بررسی بلاغت سنتی و سبک‌شناسی به مفهوم جدید آن می‌پردازند، می‌توان به پژوهشی با عنوان نقد و بررسی *فی البلاغة العربية والأسلوبيات اللسانية آفاق جدیدة*، اثر سعد عبدالعزیز مصلوح، اشاره کرد که محمد خاقانی اصفهانی آن را نقد کرده است. نقد و بررسی این کتاب بیش‌تر ناظر بر امکان بازخوانی بلاغت سنتی در پرتو سبک‌شناسی زبان‌شناختی است که سعی داشته با تفکیک و برجسته‌سازی سه رویکرد اصولی و نقش‌گرایانه و قاعده‌مدارانه بلاغت سنتی و پیش‌روان آن را توضیح دهد. خاقانی اصفهانی بررسی بلاغت رتبه در سه زبان عربی، روسی، و انگلیسی را از منظر زبان‌شناسی مقابله‌ای از مزایای این کتاب دانسته است و هم‌چنین، پرداختن به تنوع لهجه‌ها و زبان‌ها را در زبان‌شناسی مقابله‌ای از نقاط قوت کتاب به‌شمار آورده است و در نهایت، منتقد کتاب به کاستی‌های کتاب از جمله فقدان تمرین‌ها و آزمون، نداشتن فهرست گوناگون، نداشتن نتیجه‌گیری در پایان هر فصل، و استقلال نداشتن فصل‌ها از هم اشاره می‌کند (خاقانی اصفهانی ۱۳۹۴). درخصوص نقد و بررسی کتاب رحمان غرکان تاکنون کاری انجام نشده است.

۴. بررسی و نقد اثر

۱.۴ معرفی نویسنده و اثر او

رحمان غرکان زاده ۱۹۷۰ میلادی در عراق است. او استاد نقد ادبی و بلاغت در دانشگاه قادسیه عراق است. غرکان در عرصه نقد و بلاغت آثار مهمی را به‌رشته تحریر درآورده که در محافل علمی و ادبی عراق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از مهم‌ترین تألیف‌های این ناقد و شاعر عراقی می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

۱. *لغة الشعر الإسلامي، الفرزدق أنموذجاً*، بغداد، ۱۹۹۶ م.
 ۲. *قصيدة الأداء الفني في الشعر العراقي المعاصر*، بغداد، ۲۰۰۲ م.
 ۳. *مقومات عمود الشعر: الأسلوبية بين النظرية و التطبيق*، دمشق، ۲۰۰۴ م.
 ۴. *التنظير والاجراء، دراسة في أشكال أداء القصيدة العربية، النجف الأشرف*، ۲۰۰۶ م.
 ۵. *موجهات القراءة الإبداعية*، دمشق، ۲۰۰۷ م.
 ۶. *أسلوبية البيان العربي، من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي*، دار الرائي، دمشق، ۲۰۰۸ م.
 ۷. *علم المعنى؛ الذات، التجربة، القراءة*، دار الرائي، دمشق، ۲۰۰۸ م.
 ۸. *نظرية البيان العربي / خصائصاً لنشأة و معطيات النزوع التعليمي (تنظير و تطبيق)*. دارالرائي، دمشق، ۲۰۰۸ م (<http://www.alnoor.se/author.asp?id=1895>).
- این شاعر و ناقد عراقی برای کتاب *علم المعنى؛ الذات، التجربة، القراءة* برنده جایزه نوآوری نقد ادبی در عراق شد.

غرکان علاوه بر پژوهش‌های نقد و ادبی در عرصه شعر نیز صاحب آثاری است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. *سوف بلا ربما*، بغداد، ۱۹۹۸ م، ۲. *سفر فی مرايا القيد*، بغداد، ۲۰۰۱ م، ۳. *تجلیات*، بغداد، ۲۰۰۲.

(<http://alapn.com/ar/save.php?typ=1&newsid=9940>)

کتاب *اسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي* از جمله مهم‌ترین کتاب‌های غرکان است که در ۲۰۰۸ میلادی در ۲۸۵ صفحه توسط انتشارات دارالرئی در دمشق به چاپ رسید. غرکان هدف از نوشتن این اثر را خوانش بیان عربی (تشبیه، مجاز، استعاره، و کنایه) با دو نگاه بیان می‌کند؛ یکی، رویکرد قاعده‌مندانه و آموزشی که در کتاب حاضر با عنوان «اسلوب البيان العربي» از آن یاد می‌شود که این

رویکرد همان نگاه سنتی به بلاغت است. رویکرد دیگر، که شاید قسمت اصلی کتاب به‌شمار رود، تشبیه، مجاز، استعاره، و کنایه را از منظر بلاغت جدید و مبتنی بر آفرینش‌های هنری نو در مقابل مثال‌های سنتی، که در اکثر کتب بلاغی تکرار می‌شود، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. غرکان این بخش را با عنوان «أسلوبية البيان العربي» آورده است.

۲.۴ جامعیت صوری اثر

مقدمه کتاب محتوای آنچه را در پنج فصل کتاب آمده است به‌طور اجمالی بیان می‌کند. هرچند کتاب در پایان هر مبحث به‌شکل صریح خلاصه‌ای از مطالب آن فصل ندارد، اما نویسنده در پایان کتاب فصلی را با عنوان «خاتمه» بیان کرده است (غرکان ۲۰۰۸: ۲۷۵). از سوی دیگر، در پایان برخی از بررسی‌ها تحلیل‌های جامعی ارائه می‌دهد که خواننده را به یک برداشت و ذهنیت شفاف رهنمون می‌شود؛ در این مورد می‌توان به شعر «اللقاء الأخير» محمود درویش اشاره کرد که غرکان در نهایت به‌صورت واضح و دسته‌بندی شده «أسلوبية المجاز» را در این قصیده مورد اشاره قرار می‌دهد (همان: ۱۴۳) یا شعر «أحمد الزعتر» از همین شاعر در نهایت با عنوان *فی أسلوبية الأداء الاستعاري* در چند فقره مورد جمع‌بندی قرار می‌گیرد.

اثر فهرست اجمالی دارد، اما فهرست اعلام نام‌ها، آیات و روایات، و اشعار را ندارد. مضاف بر این که به‌علت تنیدگی مطالب استفاده از جدول‌ها و نمودارها بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد که نویسنده فقط در چند مورد اندک به ترسیم جدول و نمودار در صفحات ۵۴ و ۶۹ اکتفا کرده است.

اغلاط چاپی، املائی، و علائم نگارشی در اثر بسیار اندک است که چند مورد آن عبارت‌اند از: در صفحه ۵ فهرست که به‌جای «أسلوبية البيان العربي» از عبارت «اسلوب التشبيه» استفاده شده که با محتوا هم‌خوانی ندارد و در صفحات ۱۷۴ «المخاطب»، «الخاطب» و ۱۷۶ «فقد»، «فقد» و صفحه ۱۴۰ «یتزین»، «یتزینا» نوشته شده است و در صفحه ۹۱ جمله «لا یعنی المبدع ... قد انطلاقة من الوجه التجريدي المضمرة» به‌علت اشتباه نحوی در ساختار جمله دچار ابهام است و در ادامه همین جمله کلمه «التعبير» که مضاف است الف و لام گرفته و واژه «العینین» به‌اشتباه «العینین» به نگارش درآمده است. علامت نگارشی (،) در تمام کتاب مانند انگلیسی (,) ثبت شده است.

۳.۴ روش‌شناسی اثر

نویسنده برای بررسی بیان عربی هم‌چون بسیاری از منتقدان و بلاغیان معاصر دوگانه بلاغت سنتی و بلاغت جدید را در روش بحث خود مورد توجه قرار می‌دهد.

غرکان با اشاره به الأسلوب والأسلوبية پیوسته سعی دارد که تفاوت هر دو دیدگاه و رویکرد را به مقوله‌های علم بلاغت مورد کنکاش قرار دهد.

او با اشاره به آرای بلاغیان قدیمی هم‌چون ابن‌قتیبه، جاحظ، خطابی، حازم قرطاجنی، و عبدالقاهر جرجانی اسلوب را دارای کاربردی قدیمی می‌داند که واضح‌ترین شکل آن در نزد جرجانی در قالب نظریه نظم رخ می‌نماید؛ عبدالحازم قرطاجنی این مفهوم اصیل را در کتاب *منهاج البلغاء* با عنوان «المنازع» می‌آورد و اسلوب را نتیجه چگونگی پیوسته وصف یکی از اغراض سخن می‌داند و آن را روشی برای بیان معنای هنری به حساب می‌آورد (همان: ۱۷).

در میان قدما ابن‌خلدون در تبیین مفهوم اسلوب به مسائل زبانی توجه ویژه‌ای داشت، اما از نظر غرکان، ابن‌خلدون از بلاغت آموزشی و قاعده‌مند نیز تأثیر پذیرفته است و همین مسئله باعث می‌شود تا اسلوب به‌منزله یک ساختار ذهنی انتزاعی و محدود به الهام‌گرفتن از تجربه‌های متون گذشته شود (همان: ۲۰).

نویسنده با نگاه تمدنی و بشری‌ای که به زبان دارد بر این باور است که زبان به‌علت زنده‌بودنش به یک روش ثابت محدود نمی‌شود و جمود و تصوری یک‌جانبه به آن راه نمی‌یابد، بلکه مانند سلول‌های بدن انسان برای بقا و زنده‌ماندن متجدد و گسترده می‌شود، از همین رو، روش اسلوبیه و بلاغت جدید در واکنش به بلاغت سنتی به‌علت خیزش و نوگرایی در جواب به تحول و تجدد زبان ظهور پیدا کرد و از نگاه جزئی و مثال‌گرایی و آموزشی به لباس وصفی تحلیلی و خوانش ساختار متن خلق شده درآمد (همان: ۳۱-۳۲).

این‌گونه بود که منتقدان و بلاغیان معاصر به‌سمت بلاغت اسلوبیه توجه پیدا کردند، چراکه برخلاف بلاغت سنتی که در فضایی پدید آمد که یافتن بهترین نمونه و شاهد مثال مورد نظر بود، اما بلاغت جدید در اوضاع و احوالی ظهور کرد که ضرورت توجه به ساختار و کشف لایه‌های عمیق‌تر و پنهانی متن بیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت (همان: ۳۴) و هم‌چنین، تنوع انواع ادبی و تلاقی بلاغت با دستاوردهای جدید دیگر حوزه‌های علم مفهوم تازه‌ای به بلاغت جدید داد.

بر همین اساس، نویسنده در تحلیل‌های خود، با رویکرد اسلوبیه نمونه‌هایی را در بخش نظری عرضه می‌دارد و بیش‌تر بر حضور انسانی فعال به‌دوراز مثال‌محوری، که گریبان‌گیر بلاغت قدیم است، تأکید دارد (همان: ۳۴).

۴.۴ کیفیت تحلیل و نقد آرای دیگران

پایه این کتاب براساس ظهور «الأسلوبية» در واکنش به بلاغت قدیم که مبتنی بر معیارهای ثابت و آموزشی بود شکل گرفته است که نویسنده سعی کرده است ابتدا، مفهوم الأسلوبية و تفاوت آن را با بلاغت و معیارهای آن تحلیل کند که در سایه آن عناصر مطرح شده در بیان عربی مانند تشبیه، مجاز، استعاره، و کنایه را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد.

از جمله انتقاداتی که نویسنده را متوجه بلاغت قدیم می کند مواردی هم چون رویکرد آموزشی، قاعده گرایی، ارزش گذاری، و تأکید بر شواهد مثال است و همین مسئله باعث شده است تا بلاغت قدیم مخاطب خود را از نوآوری و ابداع بازدارد. از همین رو، نویسنده سعی کرده است که با کنارزدن چنین معیارهای دست و پاگیری تحلیلی نو و خلاقانه از متون ادبی ارائه دهد که این تحلیل ها در بخش «نص و قراءه» نمود پیدا می کند.

نویسنده حتی درخصوص نگاه آموزشی و خشک به بلاغت نقدهایی به معاصران دارد؛ مثلاً، تعریف لاشین در کتاب *البيان في ضوء اساليب القرآن* را پیرو تعریف همان قدما می داند، براساس این تعریف مخاطب بیش از آن که به دنبال ارزش های زیبایی شناسانه متن باشد به دنبال رویکردهای آموزشی است (همان: ۴۹).

نمونه دیگر از تحلیل و نقد نظر دیگران مسئله وجود یا عدم وجود مجاز در قرآن است که آرای قائلین به عدم جواز مجاز در قرآن را بیان می کند و سپس، با تحلیل دقیق دوگانه های حقیقت و مجاز، علاقه و قرینه، و ناتوانی و توانایی به این مسئله اشاره می کند که به نظر غرکان اصولاً قائلین به عدم وجود مجاز در قرآن در بیان مسئله دچار اشتباه شده اند (همان: ۱۱۰-۱۱۱).

جهت گیری تحلیل های کتاب بیش تر مبتنی بر نیاز به یک زبان و ادبیات پویاست که متناسب با فکر بشری رشد و تحول پیدا می کند، آن گونه که نویسنده با نگاهی تمدنی به زبان می نگرد و شرط این که بتوان زبان را از ابزار تمدن ساز مبتنی بر معرفت به شمار آورد زنده بودن آن است و نباید در چهارچوب معیارهای گذشته محصور بماند.

هرچند نویسنده منتقد رویکرد سنتی بلاغت است، اما این رویکرد را خاص شرایط آن عصر می داند. از همین رو، به افرادی هم چون ابن خلدون حق می دهد که مانند هر منتقد دیگری در آن دوره رویکرد خود را به بلاغت مبتنی بر رویکرد قدما اساس نهند (همان: ۲۸).

نویسنده در کنار توجه به رویکرد جدید در بلاغت و اشاره به معیارهای بلاغت جدید، که در واکنش به بلاغت قدیم پیدا آمده است، به دستاوردهای بلاغت قدیم نیز توجه دارد و بلاغت جدید و اسلوبیه را میراث‌دار بلاغت قدیم می‌داند که برخی از عناصر خود را از بلاغت سنتی گرفته است (همان: ۳۳).

۵.۴ میزان نوآوری اثر

در مقایسه با کارهای مشابه در خصوص *الأسلوب والاسلوبیة*، نویسنده اثر توانسته تمایز دقیقی را بین این دو حوزه قرار دهد و برخی از منتقدان مانند عبدالسلام المسدی با وجود این که عنوان کتاب خود را *الأسلوب والاسلوبیة* گذاشته‌اند در عنوان باقی مانده‌اند و نتوانسته‌اند افقی مشخص را پیش‌روی خواننده بگذارند، این در حالی است که غرکان از ابتدای مباحث خود و در هر فصل هم *أسلوب البیان العربی* را مورد تحلیل قرار داده است و هم *أسلوبیة البیان العربی* را با ذکر نمونه آیات، روایات، و اشعار به‌خوبی تبیین کرده است. برای نمونه، بعد از آن‌که غرکان اسلوب تشبیه را براساس شیوه آموزشی و قاعده‌مندی بلاغت قدیم مورد بررسی قرار می‌دهد و همان ارکان تشبیه و طرفین تشبیه را از لحاظ حسی و عقلی بودن ذکر می‌کند (همان: ۴۸)، *أنشودة المطر بدرشاکر سیاب* را نظر به اسلوبیه التشبیه مورد تحلیل قرار می‌دهد که در بخشی از تحلیل این قصیده به دستاوردهای اسلوبیه اشاره می‌کند و ساختار تشبیه در این قصیده را نوآورانه و ساخته نگاه شاعر می‌داند؛ از همین رو، هیچ شاعر عربی‌ای قبل از سیاب چشمان معشوق خود را در سیاهی زیبا و برق‌زدن‌های سرشار از زندگی به نخلستان در هنگام سحر نه در زمانی دیگر تشبیه نکرده است و هم‌چنین، چشمان معشوق را در سیاهی حزن‌آلودش به دو بالکن آن هم به هنگام شب و به‌وقت از نظر پنهان‌شدن ماه تشبیه می‌کند که این نشان از ویژگی عمیق هنری شاعر دارد.

در اسلوبیه برخلاف اسلوب اطراف جمله تشبیه بخش اصلی ساختار تشبیه را تشکیل می‌دهد؛ چراکه بدون توجه به اطراف تشبیه و اکتفا کردن به دو طرف تشبیه نمی‌توان در تأویل و تحلیل عمیق این ساختار مؤثر عمل کرد؛ از همین رو، غرکان در فهم دو بیت اول قصیده سیاب نقش زمان (*ساعة السحر*) و (*حين یغیب القمر*) را بسیار اساسی می‌داند و بدون این دو زمان معنای شعری کامل نمی‌شود همان‌طور که در شعر کاظم حجاج: «أنی فتی\ کالبرتقالة شاحب\ والبرتقالة لاتخاف\ لکنما\ یصفر\ وجه البرتقالة\ کلما قرب القطاف» معنای شعر در «أی فتی کالبرتقالة شاحب» کامل نمی‌شود، بلکه در جمله «یصفر\ وجه البرتقالة» معنا

کامل می‌شود، چراکه این قسمت از شعر در ساختار عمودی تشبیه قرار می‌گیرد که همین به شکل‌گیری معنای جدیدی منجر می‌شود که با وجود شیوع تشبیه زردی به پرتقال روش آن در دیگر اشعار تکرارناپذیر است (همان: ۸۸).

البته نویسنده در برخی موارد مانند هم‌کیشان خود این دو مفهوم را به‌گونه‌ای با هم خلط می‌کند؛ مثلاً، در صفحه ۲۷ کتاب می‌گوید که اسلوب برگرفته از روش مستمر و مشخص است که ابزار وصف آن به گذشته برمی‌گردد، اما ابزار شناخت در اسلوبیه به متن خلق‌شده برمی‌گردد که مربوط به آن چیزی است که در همان لحظه خلق شده است، نویسنده با این تحلیل به‌خوبی میان این دو را تمایز می‌نهد، اما در صفحه ۲۹ با استفاده از اصطلاح «الاسلوب الحديث» مقوله الاسلوب و الاسلوبیه را که دائماً سعی دارد اولی را به بلاغت قدیم و دومی را به بلاغت جدید نسبت دهد موردسؤال قرار می‌دهد و مخاطب دچار سردرگمی می‌شود.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، نویسنده سعی دارد با رویکردی روزآمد و متناسب با سطح فکری و فرهنگی انسان، که در حال تحول است، به تحلیل داده‌های خود پردازد که بر همین اساس در صفحات ۷۲ تا ۹۳ و ۱۳۹ تا ۱۵۲ و صفحه ۱۸۷ تحلیل‌های جدیدی از اشعار معاصر ارائه داده است.

از نگاه غرکان، برای این که بتوان درخصوص مفهوم ساختار تشبیه در متون معاصر با رویکردی نو نگرست نباید به رویکردهای کهن تصویر در متن قدیم وابسته شد، بلکه باید از این رویکردهای کهن دوری جست. او چهار رویکرد را از میان رویکردهای قدیمی مورد اشاره و تحلیل قرار می‌دهد که عبارت‌اند از: ۱. رویکرد آموزشی، ۲. رویکرد قاعده‌مندان، ۳. رویکرد ارزش‌گذاری، ۴. رویکرد نمونه‌گرایی (تکیه بر شاهد مثال‌های بلاغی)، و ۴. رویکرد جزء‌گرایانه (همان: ۶۱-۶۲). از همین رو، سبک‌شناسی، به‌عنوان یک علم نسبتاً جدید، تلاش کرد تا از لغزش‌گاه‌های بلاغت قدیم مانند غرق‌شدن در شکل و اکتفاکردن به رویکرد جزء‌گرایانه که از مفرد شروع می‌شود و درنهایت، به جمله می‌رسد اجتناب کند (عبدالمطلب: ۱۹۹۴: ۳۵۲).

غرکان با همین رویکرد مبدعانه سعی دارد با کنارزدن این رویکردهای قدیمی نگرشی مبدعانه و نوآورانه را در نقد یک متن ارائه دهد؛ چراکه از نگاه او این رویکردهای سنتی قاعده‌مندی موضوع را بر درک هنری آزاد از یک متن ترجیح می‌دهد و کارکرد حس زیبایی‌شناسانه را در فهم متن از بین می‌برد تا جایی که فرایند دریافت برای متن ایجاد نمی‌شود و نقد حاصل از آن بسیار ضعیف می‌نمایاند (همان: ۶۴). اگر به نظریه نظم عبدالقاهر

جرجانی بازگردیم، او سعی داشت معیار شاعر مبدع را خروج از ساختار وضعی محدود و تحرک وسیع در حدود نحو زیباشناسانه به جای نحو قاعده‌محور بداند (همان: ۳۶۳).

از همین رو، غرکان در تحلیل‌هایی که در قسمت «نص و قراءه» ارائه می‌دهد پیوسته به مفهوم ابداع در بیان عربی نظر دارد. برای نمونه، آن‌چه در تحلیل شعری با عنوان «احمد زعتر» از محمود درویش توسط غرکان می‌آید ارجاع خواننده به تأویل لایه‌های پنهان شعر است که از گذر استعاره حاصل شده است و سبک بیانی استعاره در نزد محمود درویش به گونه‌ای است که خواننده را در ابداع معنای شعری شریک می‌کند.

تحلیل شعر *آنشوده المطر* توسط غرکان از همین نمونه تحلیل با تکیه بر ابداع ادبی است که در آن ساختار تشبیه را ساختاری ابداع‌گونه می‌داند که همین مسئله باعث شده تا ابعاد مجاز حاصل از ساختار تشبیه گسترده‌تر از مفهوم سنتی‌اش به مخاطب الهام شود (غرکان ۲۰۰۸: ۹۰).

۶.۴ میزان سازواری اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی

باتوجه به ماهیت موضوع که علم بیان است و اساس آن با نزول قرآن کریم که توسط منتقدان ادبی مسلمان بنا نهاده شد، می‌توان گفت که این اثر مانند دیگر آثار در این حوزه در راستای مبانی و اصول دینی و اسلامی تعریف می‌شود و همچنین، قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع اسلام و روایات و احادیث معصومین (ع) از سبک‌های بیانی و تصویری آکنده است و فهم دقیق آن ایجاب می‌کند که درک عمیقی از این سبک‌های بیانی داشت و هرچه این درک عمیق‌تر باشد، طبیعتاً درک جامعه اسلامی در مورد ارزش‌های اسلامی از گذر این متون دقیق‌تر خواهد بود و آثاری مانند کتاب غرکان، که گامی مهم در جهت فهم سبک‌های بیانی متناسب با نیازهای روز بشری است، می‌تواند نقش مهمی در تحلیل و استنباط متون دینی داشته باشد؛ از جمله این موارد صفحه ۱۱۷ کتاب است که مؤلف برای توضیح مجاز مرسل با علاقه‌هایی مختلف به آیات قرآن استشهاد می‌جوید: «وجزاء سیئة سیئة مثلها» (شوری: ۴۰)، «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه» (بقره: ۱۹۴)، و «یدالله فوق ایدیهم» (فتح: ۱۰) که در این آیات به ترتیب جزای بدی (سیئة) نامیده شده است که آن سبب جزاست و جزای تجاوز (اعتداء) نامیده شده است، چراکه سبب جزاست و قدرت (یدا) نامیده شده است، چراکه سبب قدرت به شمار می‌رود. و در توضیح دیگر علاقه‌های مجاز مانند عمومیت، خصوصیت، اشتقاق، ناقصه، زائد، و ... به آیات قرآنی استناد می‌کند.

شاهد مثال دیگر در استناد به آیات قرآنی در تعریف و تبیین تجسیم و تشخیص استعاره است که در توضیح آیه «إِذَا أَلْقَا فِيهَا سَمْعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفورٌ» تکاد تمیز من الغیظ» به سخن قدما مانند ابو عبیده و ابن اثیر و رمانی اشاره می‌کند که به این مسئله با عنوان مجاز اشاره داشته‌اند (غرکان ۲۰۰۸: ۱۸۰).

مورد دیگر در استشهادات قرآنی توسط غرکان می‌توان به صفحات ۱۷۴ و ۱۷۵ کتاب اشاره کرد که برای تبیین عقلی و حسی بودن مستعارمه و مستعارله به آیه «واشتعل الرأس شیبیا» (مریم: ۴) اشاره می‌کند و طرفین استعاره را محسوس می‌داند؛ از یک سو، (النار) به عنوان مستعارمه و (الشیب) به عنوان مستعارله. برای استعاره معقول به معقول به آیه شریفه «قدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا» (فرقان: ۲۳) استشهد می‌جوید که در این جا مستعارله پاداشی است که بر باد رفته است و مستعارمه برگشتن از سفر بعد از مدتی است (غرکان ۲۰۰۸: ۱۷۵) که البته به نظر می‌رسد مؤلف در خصوص تشخیص مستعارله و مستعارمه دچار اشتباه شده است، چراکه در این آیه شریفه هدف به تصویر کشیدن پاداشی است که بر باد رفته است که در این صورت، مستعارله همان پاداش از دست رفته است و مستعارمه گرد و غباری است که بر باد داده شده است اگر هم محل استشهد بخش اول آیه یعنی «قدمنا إلى ما عملوا من عمل» باشد و برگشتن از سفر بعد از مدتی مستعارمه باشد، مستعارله آن پاداشی است که از دست رفته نیست.

۷.۴ انطباق و جامعیت اثر

عنوان کتاب *أسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي* است که هریک از کلیدواژه‌ها در محتوای اثر از بالاترین بسامد برخوردار است، بدین صورت که از همان ابتدای فصل اول ارتباط اسلوبیه و بلاغت به خوبی تبیین شده است و در فصل‌های بعد همان‌طور که در فهرست آمده است، ابتدا مفهوم اسلوب و سپس اسلوبیه در ارتباط با هریک از مسائل علم بیان از جمله تشبیه و مجاز و استعاره و کنایه مورد تحلیل قرار گرفته است. در بخش اسلوب همان قواعد سنتی بلاغت مورد اشاره قرار گرفته است و در بخش اسلوبیه بر اساس متون شعری معاصر شکل ابداعی مبتنی بر بلاغت جدید مورد تحلیل و اشاره قرار گرفته است.

این کتاب از این نظر که نگاهی روزآمد به مباحث علم بیان دارد و در حوزه عملی اشعار معاصر را مورد تحلیل قرار داده است، می‌تواند نقصان کتاب‌های بلاغت قدیم را که

جزء سرفصل دروس است جبران کند؛ چراکه این کتاب بر بلاغی سستی که نگاهی قاعده‌مدارانه و آموزشی صرف به مسائل بلاغت دارند، بر خیال و ذوق و ابداع تکیه دارد؛ البته مباحث این کتاب را بیش‌تر می‌توان متناسب با دوره کارشناسی ارشد و دکتری دانست.

۸.۴ به‌کارگیری ابزارهای مقدماتی

بحث مقدماتی ابتدای کتاب با عنوان «فی اسلوب البیان العربی» یک دید کلی را درمورد مسائل ارائه‌شده در فصول بعد ارائه می‌دهد و هم‌چنین، در ابتدای هر فصل و قبل از آن‌که وارد مباحث عملی شود، در حوزه نظری مقدمات خوبی فراهم آمده است و در پایان هر بخش از «نص و قراءه» به یک تحلیل و جمع‌بندی رسیده و در پایان کتاب کلیت مباحث در قسمت خاتمه به‌صورت نتیجه کلی ذکر شده است.

کتاب فاقد تمرین‌ها و آزمون برای خواننده است که برای درس دانشگاهی حتماً نیازمند طراحی آزمون و تمرین است.

باتوجه به حجم بالای نظرات منتقدان مخصوصاً در عصر حاضر درخصوص تفاوت‌های بلاغت قدیم و جدید و احیاناً مبهم‌بودن این نظرات بهتر می‌بود غرکان خلاصه مطالب را به‌شکل خلاصه در جدول‌هایی ذکر می‌کرد تا خواننده از تراکم مطالب تنیده‌شده درهم خسته نشود یا اگر نیازی به مرور مجدد باشد، خواننده بتواند بدون سردرگمی دربین خطوط به‌هم‌فشرده مطالب را بازیابی کند.

۹.۴ ارزیابی منابع

نویسنده از منابع دست‌اولی چون *أسرار البلاغة جرجانی*، *مجاز القرآن ابو عبیده*، *منهاج البلاغ* و *سراج الأدباء حازم القرطجانی*، *العمدة ابن رشیق*، *مقدمة ابن خلدون*، *البیان فی مجازات القرآن شریف رضی*، و *الموازنة بین شعرا بی تمام والبحتری آمدی* استفاده کرده است.

او از منابع جدیدی هم چون *الأسلوبیة والبیان العربی*، *علم الاسلوب مبادؤه واجراءته*، *البلاغة العربیة قراءه اخرى*، *الصورة الفنية فی التراث البلاغی والنقدی*، *الاستعارة فی النقد الادبی الحدیث*، و هم‌چنین شعراي معاصر استفاده کرده است، اما از برخی نظرات و کتب غربی که می‌توانست مورد توجه قرار گیرد استفاده‌ای نشده است، از جمله این نویسندگان جورج مولینی (مولینی ۲۰۰۶) است که کتاب *الأسلوبیة* را به‌رشته تحریر درآورده است و هم‌چنین جوزیف می‌شال شریم (می‌شال شریم ۱۹۸۷) که کتاب *دلیل الدراسات الأسلوبیة* را نوشته

است. البته در زمینه تشبیه و بیان و استعاره نیز جای نظرات غربی‌ها و مستشرقین و تحلیل و نقد نظراتشان خالی است که از جمله آنان می‌توان به هلموت ریتز، که مقدمه‌ای طولانی بر کتاب *اسرار البلاغه* جرجانی نوشته، اشاره کرد و همچنین هاینریشس که کتاب *يد الشمال* را درباره استعاره در نقد عربی به‌رشته تحریر درآورده است (ابوالعدوس ۱۹۹۸: ۱۷) نیز می‌توانست مورد توجه و نقد نویسنده قرار گیرد.

می‌توان گفت، نویسنده در رعایت امانت دقت لازم را داشته است و برای مطالب منقول ارجاع قرار داده است. بهتر می‌بود که نویسنده مصادر و مراجع را در پایان کتاب ذکر می‌کرد تا از تکرار برخی منابع در پایان هر فصل پرهیز شود.

۵. نتیجه‌گیری

بر اساس سؤالات مطرح شده در پژوهش حاضر می‌توان نتایج حاصل از جواب به این سؤالات را در دو بخش نقاط قوت و کاستی‌های کتاب ذکر کرد.

۱.۵ نقاط قوت کتاب

- تناسب عنوان کتاب با مطالب کتاب در تمامی فصول مشهود است و همان‌طور که نویسنده در عنوان به دو کلیدواژه «القواعد المعيارية» و «النص الإبداعي» اشاره کرده است، در تمامی فصول با شواهد و استنادات این دو مسئله مورد تحلیل قرار گرفته است.
- غرکان سعی داشته تا با نگاهی تمدنی و پویا به زبان به‌مثابه یک پیکره زنده مسائل بیانی بلاغت را هم‌گام با ادبیات روز و از منظری نو به‌تصویر بکشد و با تحلیل‌های عملی از متون معاصر توانسته است مباحثی را که در آثار مشابه در خصوص بلاغت قدیم و جدید از حد نظریه عبور نکرده‌اند به‌خوبی برای مخاطب به‌صورت کاربردی تحلیل کند.
- نویسنده در هر فصل از ابتدا به تحلیل و بررسی رویکرد بلاغت سنتی با عنوان «أسلوب البيان العربي» می‌پردازد که بیش‌تر مبتنی بر روش آموزشی و قاعده‌مندی است. سپس در قسمت دوم با رویکرد مبتنی بر آفرینش‌های هنری نو از منظر بلاغت جدید با عنوان «أسلوبية البيان العربي» به تحلیل و بررسی اشعار معاصر می‌پردازد.

- در پایان، نویسنده برخی از بررسی‌ها و تحلیل‌های جامع را ارائه می‌کند که خواننده را به یک برداشت و ذهنیت شفاف در خصوص *أسلوبیة البیان العربی* رهنمون می‌شود.
- نظم منطقی و تسلسل مطالبی که در فصول کتاب آمده است و محوریت مباحث از ابتدا تا انتهای کتاب حول مباحث (تشبیه، مجاز، کنایه، و استعاره) در بلاغت قدیم و جدید است و مانند آثار مشابه نیست که گاهی از هر دری سخن می‌گویند و مباحث پراکنده را در فصول مختلف ذکر می‌کنند.
- استفاده کافی از منابع و مصادر اصلی از بلاغیان و منتقدان مسلمان چه در دوران گذشته و چه در عصر حاضر که نویسنده کتاب به نقد و تحلیل آرای آنان پرداخته است.

۲.۵ کاستی‌های کتاب

- باتوجه به تأکید بر ابداع و نوآوری در مباحث بلاغی چون تشبیه و استعاره و کنایه و مجاز و نمونه‌های عملی خوبی که کتاب دارد می‌تواند به‌عنوان یک کتاب درسی در مقطع تحصیلات تکمیلی ارائه شود، اما باوجود این مطالب کتاب بسیار فشرده و بدون تمرین و آزمون و نمودارهای شکلی است که همین مسئله تاحدی باعث شده که نتوان در مسئله آموزش از آن به‌خوبی بهره جست.
- اشاره نکردن به دستاوردهای صاحب‌نظران غربی در حوزه سبک‌شناسی و استعاره.
- کتاب فاقد فهرست اعلام نام‌ها، آیات، و اشعار است.

۶. پیش‌نهادهای

- باتوجه به نیاز مبرم چنین کتاب‌هایی برای دانشجویان زبان و ادبیات عربی در درس بلاغت پیش‌نهاد می‌شود که مباحث مقایسه‌ای که نویسنده در خصوص بلاغت قدیم و جدید یا *الاسلوب و الاسلوبیة* ارائه داده است به‌شکل نمودار یا در جدول‌هایی ارائه شود که فرایند فراگیری و مرور مطالب را تسهیل کند.
- مسئله دیگر که می‌تواند در کنار مزیت‌های قابل توجه کتاب به درسی شدن کتاب کمک کند قراردادن تمرین در پایان هر درس است که خواننده بتواند مبتنی بر آن به تحلیل و بررسی بیانی متون ادبی پردازد.

درآمدی انتقادی بر کتاب *أسلوبية البيان العربي من أفق القواعد ...* ۱۵۱

در کنار ذکر آرا و نظرات منتقدان و بلاغیان مسلمان نویسنده می توانست گریزی هم به دستاوردهای صاحب نظران غربی داشته باشد تا با مقایسه نظرات صاحب نظران مسلمان و غربی بهتر بتوان به یک جمع بندی رسید.

کتاب نامه

- ابوالعدوس، یوسف (۱۹۹۸)، *الإستعارة في دراسات المستشرقين لفنهارت ها نیریشس نموذجاً، لبنان: منشورات الأهلية.*
- خاقانی اصفهانی، محمد (۱۳۹۴)، «بررسی و نقد فی البلاغة العربية والأسلوبيات اللسانية»: آفاق جدیدة، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عبدالمطلب، محمد (۱۹۹۴)، *البلاغة والأسلوبية، لبنان: مكتبة لبنان ناشرون.*
- عبدالمطلب، محمد (۱۹۹۷)، *البلاغة العربية: قراءة أخرى، لبنان: مكتبة لبنان ناشرون.*
- غرکان، رحمن (۲۰۰۸)، *أسلوبية البيان العربي من أفق القواعد المعيارية إلى آفاق النص الإبداعي، دمشق: دار الرأي.*
- مولینی، جورج (۲۰۰۶)، *الأسلوبية، ترجمه بسام برکه، بیروت: مجد المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع.*
- میشال شریم، جوزف (۱۹۸۷)، *دلیل الدراسات الأسلوبية، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع.*

<<http://alapn.com/ar/save.php>>.

<<http://www.alnoor.se/author>>.